



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۲۷

نادر شاه سدوزی

بنیانگذاران مشروطیت در ایران



از مدت های طولانی در ایران تعدادی از دانشمندان مجرب در قسمت اندیشه های مشروطیت فعالیت های ثمربخش نموده اند که از جمله یکی آنها مرحوم ملک خان ناظم الدوله می باشد.

وی از هم قطاران دوران سید جمال الدین افغان بود که به مشروطیت و داشتن قانون اساسی توجه خاص داشت. به همین نسبت روزنامه ای را تحت عنوان «قانون» در جهت تفسیر و تعبیر حاکمیت مردمی به شکل نمایندگی آن که آنرا نظام دموکراسی می دانند همراه با قانون اساسی منتشر می نمود.

گرچه میر غلام محمد غبار در کتابش یک کمی از وی صحبت نموده، ولی حال لازم است تا یک کمی بیشتر در باره مفکوره این دانشمند بزرگوار روشنی انداخته و وی را به طور شایسته آن معرفی نمود.

ملک خان در منطقه ارمنی نشین «جلفای اصفهان» در یک خانواده مسیحی تازه مسلمان شده تولد یافت. پدرش که با علوم جدید آشنایی داشت او را برای کسب دانش به فرانسه فرستاد. ملک، در پاریس علاوه بر علوم تجربی چون شیمی در علوم انسانی بخصوص حقوق به تحصیل پرداخت و در کنار آنها به علم سیاست، اقتصاد و جامعه شناسی نیز روی آورد. وی بعد از ختم تحصیل به وطن مراجعت کرد و به عنوان مترجم در وزارت خارجه مشغول به خدمت شد که بعد ها به صفت وزیر مختار در انگلستان، فرانسه و ایتالیا ایفای وظیفه نمود.

نامبرده بیش از هر کس دیگر از نفوذ عقاید دینی در بطن جامعه ایرانی آگاه بود و تلاش می کرد تا نقاط مشترک بین مدنیت جدید و دین را بکاود و در سطح جامعه مطرح کند که از مقاومت روحانیون در مقابل ترقی جامعه کاسته شود. وی این مطلب را به خوبی می دانست که ترقی و پیشرفت جامعه وابسته به پیشرفت علم و تکنولوژی می باشد که زاده تمدن غرب است. قسمی که «هایدگر» اظهار می دارد:

"تکنولوژی پیشرفته امروز ممثل تمدن ماست هرگاه آنرا را از بین ببرند تمدن ما نیز از بین می رود."

ملک خان، در باره شناخت علوم مثبت «مکتب پوزیتویسم» طی سخنرانی می گفت:

"ترقی مختصری که در ایران تحقق یافته نتیجه این واقعیت است که افرادی عقاید و اصول غربی را اخذ کرده و به جای اینکه بگویند منبع آن عقاید اروپاست، گفتند ما با اروپایان کاری نداریم، آن افکار و اصول حقیقی اسلام هستند که فرنگیان از ما اخذ نموده اند."

به تعقیب آن اضافه می کند: "دستاوردهای علمی در نتیجه سال های کوشش و تجربه اندیشمندان غربی است که نباید مورد دست اندازی و تغییرات بی مورد قرار گیرد."

نظر به گفتارش در آن زمان متأسفانه نگاهی متعصبانه از جانب برخی از مستبدین نسبت به علوم و فنون سائر ملل غربی صورت می گرفت و مانع آن می شدند که اکثر مردم از بسیاری دستاوردهای علمی و انسانی که تعلق به کل بشریت داشت کمتر دست یابی پیدا نمایند. از این رو انتقال تکنولوژی به شرق و بخصوص کشورهای اسلامی بخاطر تعصبات بی جا با کندی صورت می گرفت.

مرحوم ملکم خان به تعلیم و تربیت علاقه فراوان داشت و معتقد بود که فرستادن محصلین ایرانی به اروپا ضروری است تا اینکه هرچه سریع تر بتوانند تمدن و اصول ترقی را از آنجا اخذ و وارد ایران نمایند. ولی یکی دیگر از منورین ایرانی چنین می گوید:

"ما تعدادی از محصلین را به اروپا روانه کردیم تا چیزی یاد بگیرند و مصدر خدمت به وطن شوند، مگر متأسفانه آنها کمونیست شدند و در راه برپادی و نابودی مملکت قدم گذاشتند و می گفتند که عامل عقب ماندگی مملکت دین است و نمونه آنرا در انقلاب فرانسه می دیدند." «الکسی دو توکویل» نویسنده معروف فرانسه می گوید:

"هدف انقلاب برخلاف آنچه که پنداشته می شد، نابود کردن اقتدار کلیسا و اعتقاد مذهبی به معنای عام آن نبود، بلکه جنبشی برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی بود و هدفش ایجاد وضع بی سروسامان در اداره امور عمومی نبود، برعکس، انقلاب فرانسه بر آن بود تا قدرت و صلاحیت اقتدار مرکزی را افزایش دهد. این انقلاب برخلاف تصور برخی ها، نمی خواست سرشت کلی تمدن سنتی ما را دگرگون سازد و آن را از پیشرفت باز دارد."

مرحوم ملکم در باره پیشرفت مملکت یک نظر منطقی به قانون داشت. وی قانون را مهمترین ابزار برای رسیدن به غایت نهایی بشر یعنی عدالت، آزادی و سعادت انسان می دانست و می گفت ترقی بدون آزادی و آزادی بدون قانون امکان پذیر نیست.

موصوف در باره آزادی و قدرت قلم از افکار عالی برخوردار بود که می نویسد: «معنی قدرت قلم را هنوز اهل ایران درست ملتفت نشده اند زیرا که درجه قدرت قلم بسته به آزادی قلم می باشد».

شخصاً آزادی افراد را تا بدانجا تأیید می کرد که مصلحت به حقوق و آزادی دیگران نشود.

در ساحة اقتصادی به مد امروز معتقد بود و می گفت که بدون امنیت از مال و جان انسان « یعنی تضمین مالکیت که همان مفکوره جان لاک است» ترقی امکان ناپذیر می باشد. وی به متشبهین خصوصی و تجار توصیه می نمود که قیمت تولیدات را پائین بیاورند تا بتوانند در عرصه اقتصادی به رقابت پرداخته و به ادامه حیات خویش ادامه دهند.

برای وی رقابت بین تولید کنندگان موجب ارزانی و بهبود کیفیت در محصولات بوده که در نتیجه به سود مصرف کنندگان می باشد.

ملکم خان، اسباب تولید را بر سه مبنا تصور می کرد. اسباب طبیعی، کوشش بشری و سرمایه. وی سرمایه را اولین اجتهاد می دانست که در ایران کمتر وجود داشت. «علت عقب مانی در کشور های در حال توسعه همین کمبود ثروت به مفهوم وسیع آن می باشد که شامل حال افغانستان، ایران و سایر کشور های در حال رشد می باشد».

برای رفع کمبود سرمایه داخلی، سرمایه گذاری خارجی را مطرح می ساخت و بر این باور بود که دولت باید زمینه حضور کمپانی های خارجی را به منظور وارد کردن سرمایه و تکنولوژی جدید فراهم سازد تا تولید و تجارت بیش از پیش رونق گیرد.

میرزا ملکم خان در تبیین نظرات اقتصادی خویش به بانک داری نیز توجه داشت چنانچه می نویسد:

"پول های مردم قطره قطره در جاهای مخصوص جمع می شود و بی آنکه برای صاحبانش زحمتی داشته باشد، پول ایشان در اکناف عالم مصدر کار و منشأ منافع می شود، در ممالک فرنگستان هر کس برای کار مفید هر قدر پول لازم داشته باشد می تواند به آسانی به دست بیاورد." بانک ضامن امنیت سرمایه و انتقال آسان آن در تجارت داخلی و بین المللی می باشد. به عقیده وی پول باید مدام در گردش و چرخش باشد و بانک ها را بهترین ابزار برای تسهیل این گردش مالی قلمداد می نمود. چرا که در غیر این صورت راکد ماندن سرمایه جز تباهی ثروت چیزی دیگری نخواهد داشت.

ملکم خان، در باره اقتصاد سیاسی نیز اظهار نظر کرده است. وی معتقد بود که اگر تجارت بین المللی گسترش یابد و کشور ها در امور اقتصادی به هم وابسته باشند نه تنها این امر سبب استیلای خارجی و جنگ های پی در پی نمی شوند، بلکه موجب می شود تا کشور ها برای اینکه به منافع اقتصادی شان آسیبی نرسد از درگیری و جنگ می پرهیزند. وی به دولت وقت ایران گوشزد می کرد:

«دولت ایران این فقره را هر طور هست باید به ذهن خود بگنجانند که از برای دول آسیا بهترین اسلحه جهت رفع استیلای خارجی این است که به قدر قوه، تجارت خود را به عموم مملک خارج وسعت دهد».

خلاصه اینکه میرزا ملکم خان، با تمام فراز و نشیب زندگی که از وی یک مرد پخته و دانشمند ساخته بود از افراط گرایی، عوام فریبی و تفرقه اندازی در بین مردم نفرت کامل داشت.

در سن ۹۰ سالگی در سویس وفات نمود و آثاری در حوزه قانون، مشروطیت، اقتصاد و دستاورد های بشری از خود به جا گذاشت که هر یک در نوع خود منحصر به فرد و بی نظیر می باشد. روح شان شاد باد.

پایان

